

بورسیه صنعتی ۱۴۸۰ نفر از رتبه های برتر کنکور



حسین میرزا محمدی، کارگردان فیلم سینمایی «کت چرمی»:

سینمای ما در دو قطبی گمدهی - نکبت گیر کرده است

روزنامه خبری تحلیلی دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان نگاه جوانان

۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان

فصل جدید را با موضوع:
روایت سال های جنگ



www.fdn.ir | Tuesday, 15 July 2015 | No. 3942 | 16 Pages



صفحه ۸

داستانی عجیب از انحصار واردات موتورسنگین (۲۵۰ سی سی به بالا) و سود فوق العاده قیمت گذاری کارخانه های مونتاژ موتورسیکلت

راننت، انحصار، موتور ۱۰۰۰

سخنگوی شورای نگهبان در گفت و گو با «فرهیختگان»:

لایحه حجاب و عفاف هنوز به دست مان نرسیده است

۱۶

روایت سعید نجاتی، کارگردان فیلم کوتاه از سفری کوتاه به افغانستان

به تماشای کابل

۱۵، ۱۶

دو طلبان کنکور هنر امکان تحصیل نگارگری به شیوه استاد - شاگردی را دارند

واحد فرشچیان؛ الگوی اجرای نظام استاد-شاگردی

۱۶

یادداشت

جامعه شناسی سیاسی پلاس فناوری

اجرای حدس طرح محلی، ملی و فراملی خواهد داشت و آنان را به سمت نظم سفارشی، فردی و هوشمند خواهد برد. این تحول در حکمرانی شروع شده و حکومت هائیک خود را متناسب با زیربنای فنی در دولت الکترونیک (e-government)، دولت تحولی (T-government)، دولت چابک (I-government) و حکمرانی باز (O-government) بازسازی می کنند. اینکه مادر کجای تحول دولت در بستر دیجیتال هستتیم و چه کنیم که از مزایای شرایط جدید بهتر بهره مند شویم و چالش های آن را بشناسیم نیازمند فرصت بسیار است. آنچه بیان شد تنها ابعاد محدودی از نظام مسائل جدیدی است که به دلیل توسعه فناوری های نوظهور در حیات سیاسی ایجاد شده و ریشه جامعه شناسی سیاسی رایش از پیش نشان داده است، مسائلی که با تکیه بر دانش کنونی نمی توان آن را شناخت و بر آن مسلط شد. به نظر می رسد فهم و تولید علم در این شرایط نیازمند تاملات بین رشته ای و حرکت میان علوم کامپیوتر، جامعه شناسی، رسانه و اقتصاد سیاسی است، حداقل فضایی که برای فهم پدیده های جدید و راهبری آن به سمت نظم مطلوب و عبور از بحران های سیاسی اجتماعی لازم است.

مراجع و منابع:

۱. مراجعه شود به حسین بشیریه، جامعه شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، نشر نی: تهران، ۱۳۸۹ و: Martin, I., Janoski, C., De Lon, J., Misra, & I. (Eds.), The New Handbook of Political Sociology (pp. Vii-X). Cambridge: Cambridge University Press.
۲. پرز، کارلوتا (۱۳۹۳). انقلاب های فناوری و پارادایم های فنی-اقتصادی، ترجمه پریسا علیزاده، نامه سیاست علم و فناوری، سال سوم، شماره ۱ و: Freeman, C., & Louçã, F. (2001). As time goes by: from the industrial revolutions to the information revolution. OUP Oxford.
3. Encyclopaedia of the Modern World (2008) Volume 4, 158-161. (pp. 158-161) Publisher: Oxford University Press.
4. Sunstein, C. R. (2001). Republic.com. Princeton: Princeton University Press.
5. Coleman, S., & Blumler, J. G. (2009). The Internet and democratic citizenship: Theory, practice, and policy. Cambridge University Press.
6. Polonski, V. (2017) How Artificial Intelligence Silently Took over Democracy, World Economic Forum, August 9, in https://www.weforum.org/agenda/2017/08/artificial-intelligence-can-save-democracy-unless-it-destroys-it-first/.
7. Kaplan, A. (2020). Artificial intelligence, social media, and fake news: Is this the end of democracy. IN MEDIA & SOCIETY, 149.
8. VALLADÓ, A. (2018) Artificial Intelligence and Political Science, OCP Policy Center
9. Parisier, E. (2011). The Filter Bubble: What the Internet Is Hiding from You. London: Penguin
10. Millard, J. (2017). European Strategies for e-Governance to 2020 and Beyond. In Government 3.0 - Next Generation Government Technology Infrastructure and Services (Vol. 32, pp. 1-26). Springer International Publishing AG 2017

در حال تغییر است. تضعیف اقتدار دولتی، نفوذپذیری افکار عمومی توسط اطلاعات غلط و نادرست، سرعت بالای نوآوری های مخرب و عقب ماندن تمهیدات مقابله با اثرات منفی آنها و ظهور فضای پیچیده و نفوذپذیر سایبری در مجموع نظامی را در حال بازسازی است که می توان آن را نظم اجتماعی دیجیتال نامید. نظامی که مرتب در جریان اطلاعات نادرست، هیجانی، پرشتاب و آنی سکوها های اجتماعی و بر محوریت مراجع اجتماعی موقت چون ورشکاران، هنرمندان، بلاگرها و خوانندگان بسط و گسترش یافته عمری حیاتی داشته، به سرعت نیز ناپدید می شوند. در این شرایط به نظر می رسد مراجع سنتی برای بقا می جنگند و انبوه مراجع و بازیگران فردی و موقت شبکه های اجتماعی دیجیتال، کارکردهای اجتماعی آنها را تسخیر کرده اند.^۸

هویت های موقتی در محیط پسا حقیقت (post-truth environment): بیان شد که علی رغم پیش بینی ها، انقلاب اطلاعات و ارتباطات به همه گیری یک نظم خاص مثلاً لیبرال دموکراسی و ایجاد یک فضای عمومی آزاد منجر نشد، بلکه انقلاب اطلاعات نادرست در کنار اطلاعات واقعی و معتبر، فضایی را ایجاد کرده که در آن ارزش های مشترک، منافع عمومی و خیر مشترک (چه بر منطق دین، عقل بشری، قومیت و ملیت) کم رنگ شده است. حتی تحقق گفت و گو جمعی بر اساس عقلانیت هابرماسی که به دنبال ایجاد یک بستر اخلاقی و توافقی جهت گفت و گوی عادلانه بود در این فضا چندان باامان نیست. به بیان دیگر محیط «پسا حقیقت» تمایل دارد هرگونه اقتدار اخلاقی پایدار و درازمدت و حتی مشترک و عمومی را از بین ببرد. البته به طور متناقضی تمایل دارد افراد را در درون بقینیات و نظرات عمیق محصور زندانی کرده و دو قطبی های بینشی و هویتی را در لحظه تشدید کند. فضای جذب لایک و حباب فیلتر (Filter Bubble) مکانیسم مذکور را در فضای مجازی تشدید می کند و تمایلات درون گروهی و افراطی به شکل احساسات تشدید شده و هیجانی مملو از تنفر و طرفداری را در فضای مجازی و مجازی سرریز می کند.^۹ در این محیط، شالوده های هویت سنتی چون قومیت، جنسیت و ملیت نیز در حال فروپاشی و بازتعریف مکرر بوده به ویژه هویت ملی که چسب میان یک ملت و نظام سیاسی در بحران های سیاسی و اجتماعی است در پسا حقیقت بارها از معنای خود دور شده و اشکال جدید و موقتی به خود می گیرد. در این شرایط امنیت ملی، هویت ملی، انسجام ملی، منافع ملی لزوماً محمول خود را بر اساس بایدهای رسمی پیدانمی کند. باید دید پسا حقیقت در لحظه مورد نظر، چه ساختاری را پیشنهاد می دهد. نهایتاً اینکه در فضای پسا حقیقت، مقامات مذهبی، سیاسی و فکری و داوطلبان، مستقل و اجماع ساز طرفداران چندان نادانند و اجتماعات مجازی بدون لزوماً اهداف از پیش تعیین شده، به شکل غیر متمرکز و آنی نظم اجتماعی و سیاسی را هدایت می کنند.

تقویت پارادایم حکمرانی سفارشی: ظهور نشانه های پارادایم اقتصادی و فنی چهارم و پنجم نوید حکمرانی سفارشی در مدیریت امور عمومی و حکمرانی خوب می دهد. همان طور که در بستر تولید هوشمند و دیجیتال ارزش هایی چون تولید انبوه و همگانی در حال از بین رفتن است، حکمرانی مودری و شبکه ای جای سیاست گذاری عمومی و همگانی را خواهد گرفت و شهروندان متناسب با شرایط منحصر به فرد خود در بستر دولت دیجیتال خدمات دریافت خواهند کرد. چنین گذرایی عمیقی در تعاملات شهروندان و دولت، تاثیر عمیقی بر ساختارهای قدرت سیاسی و تمام چهارچوب های نظارتی و

شبکه های اجتماعی لزوماً به ایجاد فضای عمومی جدیدی که در آن شهروندان و نیروهای اجتماعی آزادانه و دور از نظارت فعالیت کرده و فارغ از هر نیروی اهریمنی سرنوشت خود را تعیین کنند منجر نشده است، بلکه این فناوری ها قابلیت آن را دارند تا با دست کاری افکار عمومی از طریق ربات های اجتماعی، تعدیل محتوا، ایجاد کمپین های دروغین و نفرت افکن نه تنها دموکراسی را تحت کنترل خود در آورند^۹ بلکه نظم سیاسی و امنیت عمومی را در جهت منافع بازیگران بدخیم داخلی و خارجی دست کاری کنند. در این فضای بحث و نظر تخصصی، دیگر تنها سخن از لزوم ترویج دموکراسی از طریق فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی جدید نیست، بلکه این مساله مهم مطرح است که «آیا دموکراسی از داده های بزرگ و هوش مصنوعی جان سالم به بدر خواهد برد یا خیر؟ و آیا فناوری های جدید حوزه ICT حیات سیاسی بشر را به «پایان دموکراسی» نزدیک می کند یا خیر؟^{۱۰} هدف در این فرصت یافتن پاسخ این سوالات نیست، بلکه تاکید بر این گزاره است که لزوماً پارادایم های فنی-اقتصادی تاثیرات و تبعات سیاسی و اجتماعی استعلاعی و خوش خیم ندارند و می توانند نظام های تحریمی و ضد بشری و اجرای سیاست های ناسیونالیستی ادامه در چند گزاره به پیچیدگی های موجود در بستر تحولات فناوریانه اخیر نزدیک تر خواهیم شد.

افسول مرجعیت نظم لیبرال دموکراسی: لیبرال دموکراسی و ارزش های آن ویژه پس از فروپاشی شوروی با حمایت ایالات متحده تضمین و ترویج می شد. در جریانات ۲۰ سال گذشته این نظم در مقوله جهانی شدن و جهانی سازی و از مسیر سازمان های بین المللی دنبال می شد، اما اکنون نشانه های افول این محبوبیت فراوان شده اند: ظهور جنبش های پوپولیستی ضد سیستمی، جذابیت فزاینده راه حل های اقتصادی و رفاهی دولت های اقتدارگرا، حمایت از جنگ و آتش افروزی دولت های دموکراتیک، بحران اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۸، برقراری نظام های تحریمی و ضد بشری و اجرای سیاست های ناسیونالیستی علیه جهان توسعه و جهان سوم، ناتوانی نهاد های بین المللی در ایجاد توسعه پایدار و عادلانه نشان می دهد. نظم لیبرال چه در سطح ملی و چه جهانی قادر به حفظ آزادی های اساسی، فردی، تجارت آزاد، حاکمیت قانون، تقویت دولت پاسخگور و رونق اقتصادی عادلانه نیست و در مدیریت نظام مسائل جهانی ناتوان است.

افزایش تکنو-توتالیترالیسم: به نظر می رسد نظم سنتی نه تنها متاثرگرا نیست و تلاش آن برای بازپس گیری عرصه اقتدار روبه افزایش است. در این تلاش فناوری انرژی منحصربه فرد است یعنی با استفاده از قدرت کنترلی هوش مصنوعی و سایر فناوری هاتلاش می شود فضای مجازی و نیروهای اجتماعی بار دیگر تحت نظم و اقتدار سنتی درآیند و آثارش موجود مدیریت شود. بالطبع دولت های دارنده فناوری های پیش رو در این زمینه موفق تر خواهند بود. آنچه در اینجا مهم بوده این است که توتالیترالیسم به شدت به فناوری های جدید وابسته است.

ذوب شدن تدریجی الگوهای اجتماعی تاریخی: تکامل و تثبیت تدریجی نهادها، رویه ها، مراجع فرهنگی و ایدئولوژیک مستقیماً با تکامل توسعه فنی-اقتصادی مطابقت داشت. ساختار قدرت به صورت عمودی به زنجیره ای از «بدنه های میانی» یا همان جامعه مدنی و نیروهای اجتماعی متصل می شد، اتحادیه های کارگری، گروه های تجاری، احزاب سیاسی و پارلمان ها، سیستم های قضایی و اداری لایه میانی میان قدرت سیاسی و توده مردم را تشکیل می دادند، اما این لایه

همچون تلگراف و تلفن، اختراع اتومبیل و هواپیما و طراحی خط مونتاژ و تولید انبوه توانست جهان صنعتی و توسعه یافته را از دیگر جوامع عقب مانده، استعمار زده و در حال توسعه متمایز کند.

انقلاب صنعتی سوم نیز از نیمه دوم قرن بیستم (حدود دهه ۷۰) با پیدایش صنایع الکترونیک، ارتباطات از راه دور، اینترنت، رایانه ها و البته رونق اکتشافات فضایی و توسعه بیوفنآوری شروع شد و به تدریج جوامع را وارد عصر اتوماسیون و حرکت از آنالوگ به دیجیتال کرد. این دوره به انقلاب دیجیتال یا عصر کامپیوتر اول (First computer era) نیز شناخته می شود. سرعت تحولات ناشی از انقلاب ارتباطات و اطلاعات عموماً در مباحثی چون جهانی شدن و دهکده جهانی، رسانه ها و شبکه های مجازی و خوش بینی های ناشی از تسخیر پایان تاریخ توسط نظم لیبرال دموکراسی قابل ملاحظه است. برای نمونه ایده های نظیر جامعه شبکه های کانسترل، حیات مجدد هویت های در حاشیه از کتاب جمهوری دات کام^{۱۱} و نظریه «دموکراسی الکترونیک» معتقدند توسعه فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی تغییرات ساختاری عمده ای در مناسبات قدرت اجتماعی ایجاد کرده است. در این راستا مراجع اجتماعی سنتی، نیروهای سیاسی و نهاد های سنتی قدرت خود را از دست داده اند و شهروندان به طور مستقیم و بدون واسطه، می توانند در فرآیندهای تصمیم گیری سیاسی شرکت کنند. همچنین تحول دیجیتال در حکمرانی امور عمومی با بهبود مشارکت سیاسی شهروندان، ارتقای فرآیندهای سیاست گذاری و افزایش حکمرانی خوب همراه است، زیرا با استفاده از ابزارهای الکترونیک مانند پرتال های دولتی، پلتفرم های آنلاین و سامانه های اطلاعاتی، شهروندان می توانند در تصمیم گیری های عمومی شرکت کنند و بر سیاست ها و برنامه های دولتی نفوذ داشته باشند.^{۱۲}

تحلیل های فوق در حالی قرن بیست و یکم را فضایی آرمانی برای تثبیت و گسترش نظم لیبرال دموکراسی تلقی می کرد که پس از یک دهه از اوج گیری این مباحث نشانه هایی از یک پارادایم فنی-اقتصادی جدید برجسته شد. توسعه فناوری های نوظهور نوید آغاز انقلاب صنعتی چهارم و هوشمند شدن اعجاب گونه همه چیز (مکان ها، اشیا و انسان) را می دهد. در این دوره اینترنت دیگر یک فناوری تحول آفرین و برافکن محسوب نمی شود، بلکه فناوری های نوظهور (همچون هوش مصنوعی، اینترنت اشیا، تحلیل کلان داده ها، روباتیک، مجاسبات ابری، بیونیکولوژی و...) سوار بر اینترنت زندگی فیزیکی و مجازی را در یکدیگر ترکیب می کنند. در این انقلاب که برخی جوامع در آستانه ورود به آن هستند صحبت از ادغام سیستم های Cyber-Physical است که در آن فضای فیزیکی و اشیا ی درون آن توسط الگوریتم های مبتنی بر رایانه و هوش مصنوعی کنترل می شود. انتظار می رود در این مرحله توان تولیدی بشر از طریق افزایش قدرت شناختی او که مبتنی بر فناوری های نوظهور است، رشد قابل توجهی پیدا کند و مرزهای ارزش آفرینی اقتصادی و مالی را در مقیاس جهانی دگرگون کند. مرشکنتی و شدت و سرعت نوآوری و تحولات در این انقلاب بسیاری نظیر است.

علی رغم تاثیرات بالقوه و بالفعلی که از انقلاب صنعتی چهارم مطرح است، چشم انداز تحولات سیاسی و اجتماعی آن روبه افول نهاده و یا حداقل غلظت اشتیاق و شوق رسیدن به نظم فراگیر دموکراتیک در حال کاهش است. رای نمونه انتخابات هفت سال گذشته در جهان نشان می دهد حضور هوش مصنوعی و یادگیری ماشین در



راضیه مهربانی کوشکی

عضو هیات علمی پژوهشگاه مطالعات فناوری

کتاب و مراجع جامعه شناسی سیاسی را که مرور کنید با سرفصل های کمی بیش مشتری پیرامون قدرت، مشروعیت، طبقه، فرهنگ، هویت، جنسیت، نژاد، قومیت، شهروندان، افکار عمومی، نهادهای اجتماعی، ناسیونالیسم و ریشه های پیدایش و تحول قدرت سیاسی و اجتماعی یعنی نیروهای اجتماعی، جامعه مدنی، دولت های اقتدارگرا، توده ای و مردم سالار مواجه خواهید شد^{۱۳} این موضوعات نماینده تبیین نظم دگرگونی در رابطه بین نیروهای اجتماعی و سیاسی و بنیان های اجتماعی حاکمیت هستند. سوال این است که فناوری کجای دیسیپلین جامعه شناسی سیاسی قرار دارد و آیا با پیش فرض ها و سرفصل های سابق می توان حیات سیاسی و مناسبات قدرت اجتماعی امروز را تبیین کرد؟ به نظر می رسد این دیسیپلین علمی با مقوله فناوری نانشناسیت لیکن تبیین های خود را تاثیرات فناوری بر زندگی سیاسی را غالباً به صورت موردی و پراکنده و در پشت تحلیل های اقتصاد سیاسی مطرح می کند، یعنی فناوری عموماً در حاشیه بررسی تاثیرات انقلاب های صنعتی به عنوان یکی از مقولات اقتدارگر به شکل گیری و تحول نیروهای اجتماعی و سیاسی و تشکیل دولت های مدرن (ام ج مردم سالار و اقتدارگرا) مورد توجه است. برای نمونه شوومپتر (Schumpeter) این ایده را مطرح کرد که ظهور هر زمان خوشه های نوآوری در رشته های به هم پیوسته فناوریانه، به وقوع انقلاب های صنعتی و اجتماعی می انجامد. شاگردان شوومپتر، یعنی فریمن، لوکا و ویز این جریان نظری را کامل تر کرده و آن را تحت نام پارادایم فنی-اقتصادی (Techno-economic paradigm) باز طرح کردند. به نظر ایشان تحولات ناشی از یک انقلاب در فناوری فراتر از تاثیرگذاری بر مشخصات فنی محصول یا فرآیندهای اقتصادی است و بر همه عوامل و نهاد های جامعه تاثیر می گذارد. به عبارت دیگر تحولات بزرگ فنی-اقتصادی الگوهای سخت افزاری، نرم افزاری و حتی جهت گیری های سیاسی و اجتماعی جوامع را تعیین و تغییر می دهد. البته در ابتدا نهادهای هویت های سیاسی و اجتماعی در مقابل هر نوع تغییر و تحولی مقاومت می کنند اما در نقطه عطفی به نام چرخش پارادایمیک با آن سازگار می شوند و تحول نهادی و زیربنایی شکل می گیرد.^{۱۴}

رویکرد فوق مقدمه ای است بر تبیین اجمالی نظم سیاسی و اجتماعی که در حال شکل گیری است، لذا توفقی کوتاه در تاریخ خواهیم داشت تا با کلیات این تاثیرگذاری در تاریخ مدرن آشنا شویم و آنگاه نگاهی به شرایط کنونی داشته باشیم. به طور کلی تاریخ مدرن تا اواخر قرن بیستم سه انقلاب صنعتی را پشت سر گذاشته است: انقلاب صنعتی اول در اواسط قرن ۱۷ با شکل گیری صنعت نساجی در بریتانیا، اختراع ماشین بخار، گسترش راه آهن و مکانیزه شدن تولید شکل گرفت و تا نیمه قرن ۱۸ میلادی ادامه یافت. در این روند صدساله، شاهد رشد جمعیت، تولید انبوه محصولات صنعتی، کاهش وزن تولیدات کشاورزی، افزایش شهرنشینی، گسترش طبقه متوسط، افزایش و توسعه سرمایه داری جهانی (امپراتوری های استعماری) در مستعمرات هستیم.^{۱۵} انقلاب صنعتی دوم نیز یک صد سال به طول انجامید (قرن نوزدهم تا اوایل قرن بیستم). کشف منابع جدید انرژی چون برق، گاز و نفت و اختراع موتور احتراق داخلی، سنتز شیمیایی، ایجاد روش های نوین ارتباطی